

## ستایش : به نام خدایی که جان آفرید (صفحه ۱۰)

هدف : آشنایی و درک خدا

- ۱- به نام خدایی که زندگی بخشید و قدرت سخن گفتن را به ما داد.
- ۲- خدایی که همیشه با ماست و یاری رسان است و بخشنده و توبه پذیر است.
- ۳- تحت فرمان او است همه چیز . مثل انسان و پرنده و مورچه و مگس.
- ۴- یکی را خوش بختی دهد و دیگری را از خوشبختی کنار گذارد.
- ۵- آتش را تبدیل به گلستان کرد برای خلیل {ع} و کسانی را فرو برد در آتش اب نیل.
- ۶- در نزد او تمام بزرگان کوچک و ناتوان هستند .
- ۷- جهان متفق هستند بر خدایی او و دنیا ناتوان مانده از یافتن ذات او.
- ۸- انسان همچو او نیابد دیدگان ناتوان در یافتن انتهای جمال او.
- ۹- نگاهی بر دل خود بیندازی او به تو صفا را عطا می فرماید.
- ۱۰- راه حق راه حضرت محمد {ص} و جز راه حق او هیچ راهی حق نیست و تنها در این راه می توان رفتنه راه دیگری .

## درس اول: پیش از این ها صفحه ۱۲

به قول پرستو : قیصر امین پور

- ۱- در گذشته فکر می کردم که خداون خانه اش در میان ابرها است.
- ۲- مثل قصر پادشاه های افسانه ای و داستانی خشتی از آن از الماس درست شده و خشتی از طلا ساخته شده.
- ۳- ستون و پایه برج هایش از عاج و بلور ساخته شده بر تختی نشسته است با غرور بسیار.
- ۴- ماه یکی از درخشندگی تاج او و هر ستاره پولکی از تاجی بود که داشت.
- ۵- رعد و برق هایی که در شب است از خنده ی اوست و سیل و طوفان

به خاطر نعره ی توفنده اوبود.

۶-هیچ انسان و جانوری نمیداند او کجاست و هیچ کس را در حضورش راه نمیدادند.

۷-آن خدا بر هیچ چیز رحم نمیکرد و خشم گین و عصبانی بود.

۸- وجود داشت ام در بین ما نبود نه مهربان بود و نه ساده و زیبا.

۹-دوستی برای او بی معنا بودو مهربانی برای او بیگانه بود

۱۰-هرچه از کسی راجب کار او و زمین و آسمان می پرسیدم

۱۱- زود میگفتند که پرسو جو از کار او نادرست است و این قسمت و حکمت است.

۱۲- قصد من از خواندن نماز ودعا تنها در امان ماندن از خشم اوبود.

۱۳- در گذشته از خدا تصویری خوب و درست نداشتم و ناراحت بودم

۱۴-تا که شبی همراه پدررفتییم برای سفری .

۱۵- در روستایی که بر سرما بود خانه ای دیدم که به نظرم آشنا و خوب بود.

۱۶-از پدرم پرسیدم: اینجا چه جایی است گفت اینجا خانه ی خوب و پاک خدا است.

۱۷-گفت :میتوان اینجا خلوت کرد و نمازی ساده راخواند.

۱۸-با وضو دست و رو را تازهکر با خود و دل خود گفت وگویی کرد

۱۹-گفتم: پس آن خدای خشمگین و ناراحت و خانه اش در زمین است؟

۲۰-گفت: بله خانه ی او ساده و پاک با فرش های گلیمی است.

۲۱-او ساده ومهربان و بی هیچ کینه ای است مثل نور در آئینه است.

۲۲- عادت او دشمنی و ناراحتی و خشم نیستنام او نور است و نشانه اش روشنایی برای ما .

۲۳- تازه در کردم که این خدا خدایم است همین خدای دوست ومهربان با ما است.

۲۴-دوستی حتی از خودم به خودم واز رگ گردن نیز به من نزدیک تر است.

۲۵- می توان سپس با همین خدا دوستی ساده و پاک و آشنا باشم.

### درس دوم، قسمت دوم درس: صور تگرماهر (صفحه ۲۰)

به راستی هیچ کس نمیداند که در فصل بهار ، این همه نقش و نگار و از کجا آشکار میگردد.

عقل انسان ها شگفت زده میشود که چگونه این همه گل های زیبا و تر و تازه از خاک تیره و افسرده میروید؟؟؟

چرا نمیپرسی که این تصاویر و نقش ها از کجا پدید آمده و چرا به دنبال این نیستی که بدانی این تصویرها از کجا آشکار شده است؟؟؟

برق از اشتیاق چه کسی این گونه قاه قاه میخندد و ابر از دوری چه کسی اینطور زار زار گریه میکند؟؟؟

آن نقاش ماهر که بدون تقلید از کسی دیگری ، این همه نقش و نگار بر صفحه جهان نقاشی کرده است، کیست؟؟؟

شاعر : قآنی شیرازی

### شرح انتظار (صفحه ۴۲)

۱. ای مهدی (عج)، روز های زیادی گذشت و به غروب رسید و تونیامدی و بغض های زیادی در گلوئی ما ماند و تونیامدی.
۲. توماند حضرت ابراهیم سخنان تاثیر گذاری و مانند او برای شکستن بت های بدی و گناه آمده ای بیا ببین که در نبود تو خدای ما دوباره مانند بت های زمان ابراهیم (ع) تبدیل به سنگ و چوب شد.
۳. بسیاری از انسان ها دوست ندارند توییایی و حق طلبی کنی. نیامندن تو برای آن ها خوب است. نه برای ما که به خاطر ظلم و ستم خسته و دل شکسته و اندوهگینیم.
۴. در تمام طول هفته منتظر آمدن جمعه هستیم اما این جمعه هم گذشت و تو نیا مدی.

### راه نیک بختی (صفحه ۴۵)

۱. من باین سخن درپی خوشبختی تو هستم. پس آن چه راکه میگویم به خاطر بسپار.
۲. در طول عمر خود سحر خیز باش و از خوابیدن در هنگام صبح دوری کن.
۳. با مادر خود مهربان باش و با جانودل آماده خدمتکردن به او باش.
۴. با ادب و احترام به پدرت نگاه کن و از سخن او اطاعت کن و سر پیچی نکن.
۵. وقتی پدر و مادر از تو رازی باشند خداوند از تو راضی خواهد بود.
۶. تلاش کن که هر چه استاد می گویند آن را به سرعت یاد بگیری.
۷. آگاه باش که سخنی به جز راست نگوئی (فقط راست بگو) حتی اگر به زیان تو باشد.

۸. هر شب که به رختخواب می روی در این مورد خوب بیندیش....
۹. که آن روز چه چیزی به علم تو اضافه شده واز کارهای خود چه سودی برده ای.
۱۰. روزی را که در آن کار انجام نداده ای جزء عمر خودت به حساب نیاور (زیرا ارزشی ندارد).

### درس هفتم آزادگی صفحه ۵۵ و ۵۶

- ۱- شخص پیری لباس پشمی خشنی پوشیده بود و کوله باری از خار را با خود حمل می کرد .
- ۲- آن پیرمرد باهر قدمی که برمی داشت خدا را شکر می کرد
- ۳-ای خدایی که این روزگار و آسمان را برافراشته ای و ای کسی که آرامش دهنده ی دل‌های غمگین هستی
- ۴-وقتی که از سر تا پای خودرا نگاه می کنم می بینم که همه نوع بزرگواری در حقم کرده ای
- ۵-خوش بختی و سعادت را در مقابل چشمان من قرار داده ای و ارجمندی و بزرگی رامانند تاج بر سر من نهاده ای
- ۶-من در حدی نیستم که بتوانم از عهده ی شکرگزاری و سپاس های تو برآیم
- ۷-نوجوانی در حالی که اسب غرور را می راند به پیر نزدیک شد
- ۸-جوان ستایش پیرمرد را شنید و به او گفت : ای پیر کودن خاموش شو
- ۹-تو خار بر پشت نهاده ای و به سختی راه می روی ! بخت و اقبال و عزت کدام است ؟
- ۱۰-تو عمرت را درخارکشی به سربرده ی و هنوز تفاوت خواری و سربلندی را نمی دانی ( زندگی را تلف کرده ای و بیهوده گذرانده ای)
- ۱۱- پیر گفت چه سربلندی از این بهتر که محتاج به کسی چون تو نیستم
- ۱۲-که ای فلانی به من صبحانه یا شام بده و یا نان و آبی که بخورم
- ۱۳-خدا را شکر می گویم که مرا خوار و ذلیل نساخت و به شخصی پستی چون تو گرفتار نکرد
- ۱۴-با وجود فقر و نداری خداوند به من آزادی و آزادگی بخشید ( آزادی : در گذشته به معنی : شکرگزاری و آسودگی )

### درس ۱۰ پرچم داران صفحه ۷۹ شش بیت (ای وطن)

- بیت ۱: ای کشورم پناهگاه دلها      ای کشورم ای خانه ی تن من
- بیت ۲: ای کشورم که تونوری وما همه چشمیم {ماهمه سر افزای واقتدار تورا می بینیم} ای کشورم که تو جانی در بدن ما
- بیت ۳: نکته ای گویم اگر تو بشنوی      شاد بودن روح وزنده بودن وپایدار بودن بدن
- بیت ۴: انسان را هفت محبت {عشق} بر دل دارد      نبود کمتر از هفت شیطان
- بیت ۵: عشق ورزیدن به وطن وزندگی ودین عزت بر خانواده ومال و وطن
- بیت ۶: آن که کشور خودرا دوست نداشته باشد      مرده بودنش بهتر از زنده بودنش است.

## (شعر خوانی) ای وطن من - صفحه ۸۲ (برخی از ابیات که نیاز به ترجمه داشته آورده شده)

-ای ایستاده درچمن آفتابی معلوم

ایوطنی که ماننددرختی درسبزه زاری

مقابله آفتاب روشن قرارگرفته ای.

-ای آفتاب شمایل دریادل

ای وطن ظاهرتم مانندآفتاب است

ودل تو ماننددریابزرگ ووسیع است .

-وبیش ازآنکه من خوف تبرانگرانم

بیش تر از آن که من از ترس تبرانگران باشم...

-چه قدر به اقیانوس میمانی

چه قدر اقیانوس ، وسیع هستی.

دردورهای کویرطبس

آن اتفاق

یادت هست؟

اشاره دارد به حادثه ی ۱۳۵۹ که در آن چند هلی کوپتر آمریکایی قرار بود در عملیاتی مخفیانه وارد ایران شوند و رسیدند ، طوفان شن باعث شد چندتا از هلی کوپترها سقوط کنند و بقیه مجبور به بازگشت شوند. به این ترتیب عملیات آن هافقط با یاری خدا و بدون دخالت نیروهای ایرانی ناموفق ماند.

## معنی ابیات درس یازدهم (شیر حق) صفحه ی ۸۶

۱- از علی (ع) پاکي نیت و کردار را بیاموز و بدان که شیر خدا (اشاره به لقب <<سداالله>> از لقب حضرت علی (ع))

از هرگونه ناراستی و فریب کاری پاک است.

۲- در جنگی با پهلوانی روبه رو شد ، با سرعت شمشیرش را بیرون کشید و با شتاب به سویه اودوید.

۳- آن مرد ، آب دهانش را بر صورت حضرت علی (ع) که افتخار انبیا و اولیای خدا بود ، انداخت.

۴- علی (ع) فوراً شمشیرش را انداخت و در جنگیدنش درنگ کرد.

۵- آن مرد جنگجو از این رفتار علی (ع) و بخشش و مهربانی خلاف انتظارش حیرت زده شد.

۶- [جنگجو] گفت: شمشیر تیزت را برابر من بالا برده بودی ، چرا آن را انداختی و من را رها کردی؟

۷- [علی (ع)] گفت: من برای خدا شمشیر میزنم و بنده ی خدا هستم نه بنده ی جسم و هوس های آن.

۸- من شیر خدا هستم و شیر هوس های انسانی (در اینجا: خشم) نیستم و رفتار من شاهد و گواه دین و عقیده ی من است.

۹- و سوسه ی خشم و شهوت و حرص ، آن کسی را که دیندار نیست ، از راه به در میکنند

۱۰- وقتی پای چیزی به غیر از خدا (یعنی خشم که صفت انسانی هست) به میان آمد ، سزاوارتر است

که شمشیرش را پنهان کنم. (یعنی وقتی دیدم در آن لحظه فقط بخاطر تلافی و خشم می خواهم شمشیر را بر تن تو فرو دهم و بیارم و نه بخاطر خدا ، دیدم بهتر است آن را پنهان کنم.)

### درس سیزدهم یاد حسین (علیه السلام) صفحه ی ۹۵

دهان سخن گوز داغ دل، آن چنان تشنه شد که برای ردیف شعرش از کلمه ی "تشنه" استفاده کرده است.

از بس آه کشیدم جوهر قلم خشک شد و قلم با سوز و اندوه بر روی دفتر نوشت "تشنه".

آه افسوس از آن روزی که در بیابان بلا، آن شاه بی لشکرو یاور تشنه بود.

با لب خشک و دل اندوهگین و چشم خیس از اشک، در آن بیابان در دریای بلا غرق شد.

دل خاندان پیامبر (ص) در سینه شان با تشنگی مانند ماهی ای که از آب بیرون افتاده باشد، می تپید.

تمام خاندان پیامبر (ص) از بزرگ گرفته تا کوچک همه تشنه بودند و نسل حضرت علی (ع) از اکبر گرفته تا اصغر تشنه بودند.

آن کسی که در کنار حوض کوثر، تشنه گان را سیراب می کند، چرا و به چه گناهی باید در کنار رودی بزرگ تشنه لب کشته شود؟

وقتی عباس جوان توانست به سمت آب رود فرات برود و به آن دست یابد یا یاد حسین (ع) تا قیامت تشنه ماند.

از قلم فدایی مانند دلش آه بلند شد که پی در پی بر روی کاغذ نوشت تشنه.

## درس شانزدهم پرنده ی آزاد صفحه ی ۱۱۲

محمد در بغل پدرش مثل پرنده ای ترسناک لانه دارد

آه ای پدر ، مرا بپوشان بپوشان بال های من در برابر این طوفان بسیار علیل است ، علیل در مقابل این تاریکی و آنهایی که پرواز می کنند آن بالا.

محمد سفیر ی است که دوستی ندارد نزدیک به اصلحه ی شکارچی است که رحم نمی کند او در سایه ی خود. تنهاست صورتش روشن است ، مثل روشنی خورشید قبلش هم قرمز و روشن است ، مثل سیب شکارچی می تواند صید کردن نوع دیگری بنگرد.

با خودش می گوید:

((حال او را ول کنم ، تا وقتی که توانایی تلفظ فلسطین را بدون غلط تلفظ کند و فردا نا فرمانی کند ، صیدش می کنم))

خونی است که از رسالت فرستاده ی خدا جوشیده است پس ای محمد بالا بیا تا بالا بیایی به آخرین درجه

### کودکان سنگ

جهان را خوب بنگر با اینکه در دست هایش به غیر از سنگ هیچ چیز دیگری نبود مثل آتش ها درخشید و مثل مژدگانی از راه رسید و استقامت کردند و فریاد زدند و شهید شدند.

آه ای اصحاب مکر و پاک کننده گان هر قدم که زمان بایستد به زودی بچه های سنگ بایر تان می کنند ای دانش آموزان آواز و صدا و ندا به ما یاد بدهید که چگونه سنگ در دست های کودکان را شجاعت می کنید؟

ای فرزندان آواز و صدا و ندا با تمام قدرتتان محبوب شوید و در راه تان محکم بمانید و در بیشتر نبرد ها جلو بروید ای دوست های کوچک ما برای جدا کردن زیتون ها آماده باشید وقتی که درختان زیتون بار ده می شوند ملتی به دنیا می آید و کره ای دیگر آشکار می شود

### نیایش (صفحه ۱۲۵)

- خداوندا نظری به من کن و راه رسیدن به خودت را به من نشان بده
- نظری به من کن و من را صدا بزن و راهی به من نشان بده تا بسویت بیایم.
- به اسم خود به من بزرگی بده و من را رفیق لطف بیکران خود کن.
- از آن آب گوارا به من بده تا با آن وضو بگیرم و از خواب غفلت بیدار شوم.
- به بخشندگی خودت به من نگاه کن و من را در آخرت شفاعت کن.